

پشت پرده یک عملیات سخت

گفت‌وگو با سردار اسماعیل قانعی فرمانده وقت لشکر امام رضا (ع) در عملیات «کربلای ۴» و فرمانده کنونی نیروی قدس سپاه

یکی از مهم‌ترین عملیات‌ها، کربلای ۴ و ۵ بود. چه شد که به سمت طراحی کربلای ۴ و سپس کربلای ۵ رفتید؟

هر جنگی فرازونشیب دارد؛ هیچ جنگی وجود ندارد که هر کاری دلت خواست، بکنی و اتفاقی هم نیفتد. جنگ، صحنه دوطرفه‌ای است؛ جنگ ما هم نابرابر و طرف مقابل، بسیار جدی و فعال بود. نابرابری در همه زمینه‌ها مشخص بود و از نظر عواملی که در محاسبات متعارف، جزو عوامل اثرگذار در صحنه جنگ هستند، کمبودهای جدی داشتیم. به دلیل مشکلات جدی در جنگ مجبور بودیم ابتکارات و نوآوری‌هایی را ایجاد کنیم که دشمن در محاسباتش چندان حسابی روی آنها نکرد و توانستیم با همین خلاقیت‌ها جنگ را پیش ببریم.

پس از عملیات رمضان، دشمن برای ایران مناطقی در خشکی را که امکان عملیات گسترده در آنجا فراهم بود، محدود کرد؛ علتش هم شکست‌های متعددی بود که در عملیات‌های مختلف خورده بود، برای همین سرمایه‌گذاری‌های زیادی روی کارهای مهندسی کرد؛ از میدان‌های مین گسترده گرفته تا آب انداختن جلوی خط‌ها. دشمن روی مناطق مناسبی که می‌شد در آنها عملیات کرد، سرمایه‌گذاری جدی کرد تا ما نتوانیم به راحتی از آنها استفاده کنیم. لذا بعد از عملیات رمضان، کسانی که جنگ را اداره می‌کردند، کوشیدند از جاهایی که نقطه ضعف دشمن است، استفاده کنند؛ مثلاً در عملیات بدر و خیبر از هور به عنوان نقطه‌ای که دشمن روی آن سرمایه‌گذاری جدی نکرده بود، استفاده کردند. در عملیات خیبر با قایق‌ها تا نزدیک اتوبان بصره-عمار، یعنی نزدیک دجله رفتیم؛ از ضعف دشمن استفاده کردیم و با حفاظت و شناسایی‌های خوبی که انجام گرفت، عملیات پیش رفت. در بدر به ترتیب دیگری عمل کردیم، ولی دوباره از هور استفاده شد. با دو عملیات انجام شده در هور، دشمن متوجه شد که از نقطه ضعفش استفاده می‌کنیم؛ به همین دلیل همان موقع با حمایت پشتیبان‌های خارجی‌اش کار بسیار گسترده‌ای را شروع کرد. یکی از مناطقی که هم حساس بود و هم با وجود سختی‌هایش، برای ما امکانی بود که بتوانیم با ابتکار و خلاقیت از آن استفاده کنیم، مسیر عبور از اروندرود بود که استفاده از آن در عملیات والفجر ۸ شروع شد و تا تصرف فاو ادامه یافت. یکی از این مناطق، منطقه کربلای ۴ و ۵ بود که به دلیل نزدیکی آن به بصره و مناطق حساس عراق می‌توانست منطقه اثرگذاری در جنگ باشد.

برای تصمیم‌گیری در این نوع مسائل، فرماندهان یگان‌ها مورد مشورت قرار می‌گرفتند و نظر

عملیات «کربلای ۴» در سوم دی‌ماه سال ۱۳۶۵ آغاز شد، اما بعد از ۲۴ ساعت، حمله رزمندگان ایرانی به ناگاه لورفت و نزدیک به هزار تن از نیروهای انقلاب به فیض شهادت نائل آمدند. اگرچه پیروزی در عملیات کربلای ۵، کمتر از سه هفته پس از این عملیات توانست روحیه جبهه‌ها را بازبایی کند اما حرف و حدیث‌ها درباره چرایی لورفتن عملیات و نحوه مدیریت آن تا سال‌ها باقی ماند. متن پیش‌رو، تنها مصاحبه‌ای است که با سرلشکر حاج اسماعیل قانعی، فرمانده وقت لشکر امام رضا (ع) در عملیات «کربلای ۴» و فرمانده کنونی نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام شده است؛ در این گفت‌وگو، واکاوی ابعاد مختلف این عملیات بررسی شده است.



لازم در بخش‌های مختلف متناسب با این نوع عملیات، چون اولین بار بود که حجم بالایی از غواص‌ها را به کار می‌گرفتیم. کارهای متعددی در زمینه‌های مختلف مهندسی و مسائل لجستیکی، آتش، توپخانه، ادوات و مواردی که قبل از عملیات باید طراحی شوند، انجام شدند. مثلاً در عملیات کربلای ۴ چند محور داشتیم که بچه‌ها باید از آنجا عملیات را آغاز می‌کردند؛ یکی اینکه باید از اروندرود عبور می‌کردند و آن طرف می‌رفتند؛ دیگری نهر فرعی خین بود که از اروندرود به طرف شلمچه می‌آمد که بچه‌ها باید از آن می‌گذشتند. این نهر نزدیک‌ترین جبهه در سراسر مرز بین ما و عراق بود که بچه‌ها به آن «خط ۲۵ متری» می‌گفتند. حدود ۴۲-۴۳ متر فاصله ما و دشمن بود و حداقل ما، نهر خین قرار داشت. وقتی آنجا به خط می‌رفتید، متوجه می‌شدید بچه‌ها آهسته صحبت می‌کنند، چون احساس می‌کردند صدای شان آن طرف نهر شنیده می‌شود. دشمن هم در سمت خودش کارهای مهندسی زیادی انجام داده بود و سنگرهای مختلف، موانع و مین ایجاد کرده بود. ما باید از این خط عبور می‌کردیم. یکی از کارهایی که قبل از عملیات انجام دادیم، ایجاد تونلی از پشت خطمان، زیر جاده و زیر سیل‌بند کنار نهر خین و زیر سنگرها بود، چراکه حساب کرده بودیم به هر ترتیبی هم که از نهر عبور کنیم،

می‌دادند و طبیعتاً مسئولان رده‌بالای جنگ، منطقه عملیاتی آینده را انتخاب می‌کردند. بنا شد عملیات در این منطقه انجام گیرد که هم عملیات در خشکی داشت و هم عملیات عبور از آب. چون عمده خطوط باید توسط غواص‌ها شکسته می‌شد، لازم‌هاش استفاده از نیروی رزمنده‌ای بود که توان غواصی و عبور از آب را داشته باشد؛ برای تربیت چنین نیرویی سرمایه‌گذاری خوبی شد؛ بهترین بچه‌های مان از نظر روحی و آمادگی‌های جسمی همین‌ها بودند و بخش قابل توجهی از آنها تجربه جنگ را در عملیات‌ها و مناطق ماموریتی دیگر داشتند. علاوه بر اینها، نیروهای جدیدی را هم جذب کردیم و برای آنها یک دوره آموزش بسیار حساب‌شده، سخت و منطبق بر واقعیات جنگ برگزار کردیم. انصافاً بچه‌ها خیلی زحمت کشیدند، چون دوره دشوار و طاقت‌فرسا بود، عمده آموزش‌ها چند ماه قبل از عملیات و اواخر پاییز و اوایل زمستان بود و بچه‌ها با سخت‌کوشی، نشاط و روحیه با وجود سرمای هوا دوره را گذراندند و تمرینات در آب را انجام دادند. آن موقع مسئولیت شما چه بود؟

در عملیات‌های کربلای ۴ و ۵ فرمانده لشکر امام رضا (ع) بودم. به موازات آموزش غواص‌ها باید کارهای دیگری انجام می‌دادیم، از جمله ایجاد آمادگی در منطقه عملیاتی، کارهای شناسایی و طرح‌ریزی و فراهم آوردن مقدمات

با توجه به نوع سنگرهایی که دشمن داشت، آسیب می‌دیدیم. بنابراین بچه‌های خط- که عمدتاً بچه‌های اطلاعات و عملیات و تخریب بودند- قبل از عملیات با آرامش، ظرافت و دقت از زیر همه اینها، دو تونل موازی زدند. یادم هست نگران بودند که وقتی کلنگ می‌زنند و زمین را می‌کنند، صدا از طریق زمین منعکس شده و دشمن متوجه شود. برای همین چند گوشی پزشکی آوردند که وقتی یکی این طرف کلنگ می‌زند، دیگری با قدری فاصله با استفاده از این گوشی‌ها گوش بدهد که چقدر صدا می‌آید. با وجودی که کار ظریف و حساسی بود، بچه‌ها به خوبی از عهده آن برآمدند و پیش از عملیات، تونل‌ها را احداث کردند. آنجا بر اثر جزر و مد آب سه، چهار متری بالا و پایین می‌شد. گاهی نهر خین پرآب می‌شد و تا دو متر مانده به لب سیل‌بندهای کنارش بالا می‌آمد؛ یک موقع هم آب طوری پایین می‌آمد که کف رود دیده می‌شد. محاسبه کردیم شبی که می‌خواهیم عملیات انجام دهیم، سطح آب کجا می‌آید، منتها در تونل را باز نکردیم و فقط سوراخ کرده بودیم و از آنجا نگاه و کنترل می‌کردیم. شب عملیات در تونل را باز کردیم و کار را انجام دادیم. آنچه مثال زدیم، یکی از کارهای زیادی بود که برای انجام این عملیات صورت گرفت. با وجودی که همه چیز با توجه به محاسبات ما درست پیش رفت، ظاهراً دشمن متوجه قضیه شده بود، چون دشمن همان شبی که عملیات را شروع کردیم، در ابتدای امر با آمادگی با ما برخورد کرد، اما بدون تردید و با جدیت عملیات را شروع کردیم؛ چون به هر حال عملیات طراحی شده بود و در هر جنگی ممکن است دشمن با قوت برخورد کند. الان می‌گوییم دشمن متوجه شده بود، چون زمان گذشته است و همه چیز را بررسی کرده‌ایم، ولی در لحظه شروع عملیات این مسائل روشن نیست. در خیلی از عملیات‌ها دشمن احساس می‌کرد کارهایی می‌کنیم؛ در هیچ عملیاتی این‌گونه نبود که دشمن مطلقاً متوجه نشود، اما میزان آمادگی‌اش به نسبت ضریب احتمالی که می‌داد، فرق می‌کرد. معلوم شد در کربلای ۴ آمادگی بیشتری داشت. با نگاه همیشگی مان کار را بسیار جدی شروع کردیم، اما هم ما که در محل بودیم و هم دوستانی که مسئولیتشان در سطح قرارگاه بود، متوجه شدند میزان آمادگی دشمن مشکل‌ساز است، لذا به سرعت ادامه عملیات را متوقف کردند. باید به‌طور کامل عملیات کربلای ۴ را بررسی کرد؛ نمی‌توان گفت این عملیات شکست خورد. در این عملیات به محض اینکه متوجه شدیم دشمن آگاه شده و آمادگی مقابله دارد، سریع عملیات را جمع‌وجور